روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

شنبه ۱۴ فروردین ۱۳۹۵ ■ ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۴۳۷ ■ ۲ آوریل ۲۰۱۶ ■ سال هشتم ■ شماره ۱۸۴۸ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان

■ ۱۱۷۷ سال و ۱۰۴ روز گذشت

VATAN-E-EMROOZ ■ VoL.08 ■ No.1848 ■ Sat.Apr.02, 2016 ■ ISSN:2008-2886

رهبر انقلاب در پیام نوروزی سال ۱۳۹۵:

با «اقتصادمقاومتی» می‌توان به جنگ بیکاری و رکود رفت

صفحه ۲

رهبر انقلاب در اجتماع عظیم زائران حرم رضوی تشریح کردند

۱۰ اقدام در اقتصادمقاومتی مقابل دوگانه تسلیم یا تحریم

صفحه ۱۲

رهبر انقلاب در دیدار ذاکران اهل بیت(ع) با اشاره به کسالت‌بار شدن تکرار حرف‌ها و شعارها خطاب به مسئولان دولتی تأکید کردند

هنگام اقدام برای معیشت

■ اینکه بعضی‌ها بیایند بگویند «فردای دنیا، فردای مذاکره است، نه موشک» این حرف اگر از روی آگاهی گفته شده باشد خیانت است

■ روزگار، روزگار همه‌چیز است هم مذاکره هم موشک وگرنه به راحتی حق ملت را خواهند خورد

صفحه ۲

عکس: Khamenei.ir

یادداشت یک

روز نو تحریم نو!

■ حسین قدیانی ■

نخستین نوشته‌ام در سال جدید را به پیروی از صفحه یک امام زمانی آخرین شماره «وطن‌امروز» در سال ۹۴، با این دعا آغاز می‌کنم که ان‌شاءالله ۹۵، سال ظهور امام زمان‌مان باشد. نه به عبارتی، که به هر عبارتی، ریشه تمام مشکلات ابنای آدم، ناشی از «غیبت ولینا»یی است که تا نیاید گره از کار بشر وا نشود. باز هم پرستوها برگشتند و زمین، بهار خود را دید اما اینها نبود که غم و غصه ما! باورم هست باید تجدید نظر اساسی کنیم در انتظاری که می‌کشیم. این راه و رسمش نیست! بخصوص در مقوله انتظار باید «انقلابی» عمل کنیم! و انقلابی فریاد برآوریم که «اللهم انا نشکوا الیک فقد نبینا صلواتک علیه و آله و غیبه ولینا و کثره عدونا و قله عددنا و شده الفتن بنا و تظاهر الزمان علینا».

***

مثل معروفی است که به حرمت قلم، حالا خیلی بازش نمی‌کنم اما معروف است در همان مثل که طرف گفت: «تو حالا همین را که زاییدی بزرگ کن، بعدی پیشکش!» حضرات در همین برجام اولی مانده‌اند، بد هم مانده‌اند، آنوقت دم از برجام ۲ می‌زنند! حالا همین اولی را توضیح بدهید، دومی پیشکش!

آری! برجام هر چند در روی کاغذ هم نامتوازن و در اغلب بندها مضر به حال منافع ملی تنظیم شده، لیکن می‌بینیم که دشمن آمریکایی در میدان عمل حتی به همین «وعده‌های کاغذی» هم اندک التفاتی ندارد. تحریم مهم و درست و درمانی را که برنمی‌دارد هیچ، هر چند روز یک بار کلکسیونی رنگارنگ از تحریم‌های جدید را وضع می‌کند!

این خبر را که مختص همین روزهای اخیر است بخوانید تا معلوم شود حق با کیست؟ خمینی بت‌شکنی که آمریکای جلاد و بدعهد را «شیطان بزرگ» می‌خواند یا این حضرات جاهل نسبت به خصومت خصم که توهم زده‌اند دشمنی حتی در مایه‌های آمریکا را نیز می‌توان با ابزار دیپلماسی تبدیل به دوست کرد؛ «دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا در مجموع ۶ شرکت و ۲ فرد را به بهانه‌های موشکی و آنچه دور زدن تحریم‌ها نامیده، اضافه کرده به فهرست تحریم‌های قبلی. همچنین وزارت دادگستری آمریکا علیه ۷ تن از اتباع ایرانی به بهانه آنچه حمله سایبری ۳ سال پیش به سدی در شمال نیویورک و همچنین ده‌ها بانک خواند، اعلام جرم کرد.

لورتا لینچ، دادستان کل آمریکا در کنفرانس خبری ادعا کرد اقدامات این ۷ ایرانی ده‌ها میلیون دلار خسارت به بار آورده است. با این حال مسؤول دایره سایبری و عملیات ویژه افبی‌آی آمریکا در اظهاراتی متناقض گفت: «این حملات، فعالیت سد را مختل نکرده اما از آن جهت مهم است که توانایی هکرهای ایرانی را در دسترسی به سیستم‌های کنترل صنعتی آمریکا نشان می‌دهد.» واشنگتن همچنین احمد شیخ‌زاده، مشاور نمایندگی کشورمان در سازمان ملل را به بهانه کمک به برنامه موشکی ایران در فهرست یکجانبه تحریم‌ها قرار داد و بازداشت کرد».

بگذریم که آمریکا زمستان سال گذشته نیز در تصمیمی که استثنائا از سوی مقامات دستگاه دیپلماسی کشورمان «نقض خود برجام»-و نه ناقض روح برجام!- خوانده شد، ۱۱ شخص و شرکت ایرانی و خارجی را تحریم و به موازات این اقدام، محدودیت صدور ویزای آمریکا را علیه مسافران به ایران برقرار کرد.

خب! این همان برجام و پسابرجامی است که آقایان بابت آن ده‌ها بار به ملت ایران تبریک گفتند و البته شاکی شدند از ملت که چرا متأثر از این آفتاب تابان، مثلا جشن خیابانی راه نینداختند! آفتاب تابان! زرشک! همان روز تصویب برجام، شگفتا! بازار «دیدید گفتیم» گرم شد که «دیدید گفتیم می‌توان به نتیجه مذاکره با آمریکا خوشبین بود!» اولا عدم خوشبینی به نتیجه مذاکره با آمریکا قبل از آنکه سخن ما اصحاب نقد یا حتی سخن بزرگان باشد، ریشه در مکتب خمینی بت‌شکن دارد.

۵ روز دیگر یعنی ۱۹ فروردین سالروز قطع رابطه آمریکا با ایران است که اتفاقا از ناحیه طرف آمریکایی یعنی آقای کارتر در سال ۵۹ حادث شد. چه بود واکنش امام بزرگوار ما اما؟

ادامه در صفحه ۵

روزنه

اقتصاد ایران؛ ویراست ۹۵

■ دکتر محمدرضا مهدیاراسماعیلی ■

این ۹ کلمه «به گمان من مساله اقتصاد در اولویت اول است»، به گمان من شاه‌بیت پیام نوروزی رهبر انقلاب است که صبح اول فروردین ۹۵ در گوش اقتصاددانان زنگ زد و در بیانات حرم رضوی در ادامه زنگار زدود.

سال ۱۳۹۵ از حیث اقتصادی سالی حساس و مهم است.

- طبق گمانه‌زنی‌هایی که دولت محترم پیرامون تعهدات برجامی ۱+۵ دارد، امید است دلارهای بلوکه شده ایران طی این سال به کشور بازگردد.

- طبق زمانبندی اعلام شده از سوی رئیس کل بانک مرکزی قرار است نرخ ارز در این سال مجدداً به حالت تک‌نرخی بازگردد.

- طبق روند متعارف نزول و صعود قیمت نفت احتمالاً سال ۹۵، سال پرتاب قیمت نفت به ارقامی بسیار بالاتر از کف قیمت باشد.

- طبق آنچه در تفاهمنامه‌های اقتصادی ایران با شرکت‌های بزرگ خارجی به امضا رسیده است، علی‌الاصول باید سال امضای قراردادها و اجرایی شدن برخی تفاهمنامه‌های اقتصادی ایران با کشورهای خارجی باشد.

- طبق تقویم سیاسی جمهوری اسلامی ایران، آخرین سال کامل کاری برای دولت فعلی است و دولت برای ماندن در پاستور، هر هنری داشته باشد باید در همین سال نشان دهد.

- طبق تاریخ برنامه‌های توسعه کشور، سال آغاز برنامه ششم توسعه است و سومین سال از ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که براساس شعار امسال بر دولت مفروض شده است که پیرامون آن اقدام عملیاتی کند.

و بالاخره؛

- طبق تقویم سیاسی ایالات متحده آمریکا، سال جابه‌جایی اصلی‌ترین دولت مذاکره‌کننده در برجام با ایران و کنار رفتن دولت فعلی ایالات متحده است. استفاده‌های تبلیغاتی احزاب آمریکا در سال ۹۵ سایه‌های سنگینی را بر روند اجرای برجام خواهد گذاشت که تا امروز علائم متعددی از آن آشکار شده است.

تمام موارد مذکور، مشتمل بر فرصت‌ها و تهدیدهایی است و بر دولت ایران فرض است که از فرصت‌ها استفاده کند و تهدیدها را هم تبدیل به فرصت کند.

علاوه بر موارد بالا آنچه امروز نگرانی عمده کشور است، پدیده نفوذ بیگانگان به بدنه مدیریت و اداره کشور است. در این یادداشت بنا دارم ساختار و سازمان اقتصاد ایران در سال جاری را ناظر به آنچه تاکنون انجام شده ترسیم کرده و خط و ربط‌های موارد یادشده و اقتضائات عملی هر یک را اجمالاً مورد بررسی قرار دهم.

گفته می‌شود سال پیش‌رو احتمالاً سالی باشد که بسیاری از تفاهمنامه‌های امضاشده در سال ۹۴ در پی استمرار تعاملات هسته‌ای دولت در جامعه جهانی، تبدیل به قرارداد شود. اگر تحریم‌ها برداشته شود و فروش نفت بالا رود، این موضوع در کوتاه‌مدت موجب افت بیشتر قیمت نفت خواهد شد. در این زمان از آنجا که کشورهای تولیدکننده نفت برای تأمین بودجه خود نیازمند به‌دست آوردن رقم خاصی از دلارهای نفتی هستند، با کاهش قیمت تولید را بالاتر خواهند برد و این موجب می‌شود قیمت نفت در سراشیبی قرار گیرد. تکرار این رفتار به طور حلقه‌وار موجب افت شدید قیمت خواهد شد. به مرور و با کاهش قیمت نفت، کشورهایی که هزینه تولیدشان بیشتر از هزینه تولید کشورهای حوزه خلیج فارس است، از دایره رقابت خارج شده تا اینکه قیمت نفت به کف واقعی خود برسد. پس از رسیدن به کف قیمت نفت در جهان، از آنجا که تولیدکنندگانِ پرهزینه‌تر پیش از این از کورس رقابت خارج و دچار افت تولید شده‌اند، طی مدت کوتاهی مازاد عرضه تبدیل به مازاد تقاضا خواهد شد و این موجب خواهد شد قیمت نفت به جای آنکه مجدداً یک دلار یک دلار افزایش یابد به یکباره به ۲ تا ۳ برابر قیمت کف، پرتاب شود. این یعنی بزودی نفت یک شوک شدید نفتی را تجربه خواهد کرد که بعید نیست با توجه به سرعت کاهش قیمت آن، شوک افزایش شدید قیمت نفت در سال ۹۵ باشد. تحقق شوک در این سال - پس از افت مداوم قیمت و کاهش شدید درآمد دولت- منجر به افزایش شدید قیمت و بازگشت منابع ارزی ناشی از فروش نفت خواهد شد. این پدیده در صورت عدم رفتار هوشمندانه منجر به وقوع تکانه در اقتصاد ایران خواهد شد. بنابراین سال ۹۵ از حیث قیمت نفت، احتمالا قبض و بسط اقتصادی شدیدی داشته باشد.

سال گذشته بیشترین عملکرد دولت از حیث اقتصادی تمرکز روی موضوع رفع تحریم‌ها و خروج از رکود بر مبنای ایجاد ارتباطات جدید در سطح بین‌الملل بود. از دیدگاه اقتصاددانان، هرچه تمرکز سازمان اقتصاد برای سودآوری به مسیرهای محدودتر و سبد کم‌تنوع‌تری هدایت شود، اصطلاحاً ریسک بازده افزایش می‌یابد. پیرو این اتفاق، هر چه ریسک بالاتر رود، تصمیمات ناپایدار و احتمالاً سیاست‌زده بیشتر شده و تصمیمات اقتصادی بیش از پیش رنگ بخت‌آزمایی و قمار به خود می‌گیرد.

دولت یازدهم در ۲ سال گذشته تقریباً تمام تخم‌مرغ‌های خود را در سبد برجام چیده است و شکست یا موفقیت در این معامله برای او حکم مرگ و زندگی را دارد. اضافه کنید که چنانکه نوشتم سال ۹۵ آخرین سال برای آزمون عملکرد دولت است و انگیزه سیاسی برای ماندن در پاستور، خطر سیاست‌زدگی را بیش از هر زمان پررنگ خواهد کرد. از این رو برای صیانت از سازمان اقتصاد کشور و هدایت آن در مسیر رشد، اخذ تصمیمات هوشمندانه و مدبرانه ضرورت بالاتری پیدا می‌کند.

در اینجا بنا دارم دیدگاه اقتصاد امنیت خود را پیرامون برجام و لحظه ورود ایران به اقتصاد جهان تبیین کنم. شک ندارم به ایران زمانی اجازه داده خواهد شد از پشت دیوار تحریم‌ها به حیاط اقتصاد جهان پا بگذارد که قبل از آن هر چه قرار بوده به درد ایران بخورد از حیاط اقتصاد جهان جمع‌آوری شده است. اگر امروز شاهد این هستید که به‌رغم امضا روی کاغذ و برداشته شدن موانع قانونی و کاغذی، ایران همچنان به طرق دیگر پشت دیوار تحریم معطل مانده است دلیلش این است که هنوز حیاط اقتصاد جهان به قدری که دشمنان ایران درنظر گرفته بودند، علیه ایران خلوت نشده است. وقوع ۲ اتفاق مهم در اقتصاد جهان جواز ورود ایران به حیاط آزاد بین‌المللی خواهد بود. اول مساله مازاد تقاضای نفت است و دوم مازاد عرضه دلار.

از حیث بازار نفت، زمانی حیاط اقتصاد جهانی از ما استقبال خواهد کرد که مازاد عرضه نفت به قدری زیاد باشد که نفت ایران نتواند تاثیر چندانی در تراز قیمت بگذارد، بنابراین ایران باید به مرور و در زمانی که قیمت نفت در نزدیکی کف خود قرار دارد به بازار وارد شود تا جلوی شوک پرتاب یکباره قیمت نفت به ارقام بالای ۷۰ دلار را بگیرد یا لااقل زمان ورود ایران طوری تنظیم شود که تعویق بیشتری را برای افزایش قیمت نفت برای جهان به ارمغان آورد. برای موفقیت این استراتژی، عربستان سعودی هم باید در قالب جنگ با یمن، بدهکارتر شود تا در زمان فرا رسیدن دوران قریب‌الوقوع کف قیمت و هجوم تقاضای دنیا به نفت G5 (عربستان، ایران، عراق، امارات، کویت) ۲ کشور عربستان و ایران به دلیل نیاز مبرم به دلار، توان گربه‌رقصانی در بازار نفت را نداشته باشند و به‌رغم قیمت پایین نفت، همچنان در سقف تولید خود بمانند. بنابراین آن تحلیلی که می‌گوید کاش در دورانی که قیمت نفت بالای ۱۰۰ دلار بود ما مذاکره کرده و به بازار بازگشته بودیم، در نقصان و خطای محض است.

از حیث بازار دلار، زمانی آمریکا به ما اجازه خواهد داد آزادانه وارد حیاط اقتصاد جهان شویم که حجم دلارهای خارجی (اصطلاحاً یورو دلارها) به قدری افزایش یافته باشد که صلاح بر این باشد که با ورود ایران به معاملات جهانی، ایران بتواند با تقاضای خود بخشی از مازاد عرضه آن را پُرکند تا نگرانی بر هم خوردن تراز دلارهای خارجی (که خود به قدر یک کتاب مفصل است)، مرتفع شود. بنابراین ایران قرار است طی یک سناریوی از قبل طراحی شده و دقیقاً در زمانی مشخص و در راستای تأمین و تثبیت منافع آمریکا و متحدانش پا به حیاط اقتصاد آزاد بگذارد و با دویدن خود در این فضا، ناخواسته ارابه اقتصاد آمریکا را پیش ببرد و اگر به‌غایت زیرک باشد شاید بتواند دستمزد اندک باربری را بستاند!

امروز ما می‌دانیم که وزارت خزانه‌داری آمریکا بشدت در تلاش است تا نگذارد ایران از نتایج برجام بهره‌مند شود. این بدان معناست که هنوز در حیاط اقتصاد جهان منافعی باقی مانده است و تا این منافع جارو نشوند، از ورود ایران به این فضا ممانعت خواهد شد. عقیده من این است که دل بستن به جمع کردن منافع سهل‌الوصول حیاط اقتصاد جهان خطایی بسیار استراتژیک است و به‌جز فوت وقت ثمری برای کشور نخواهد داشت.

بانک مرکزی بنا دارد طی برنامه از پیش طراحی شده، سال ۹۵ نرخ ارز را مجددا تک نرخی کند. اگر پیرامون تعلیق تحریم‌ها خوشبین باشیم و امیدوار باشیم بازکردن ال‌سی جهت انجام معاملات رسمی بین‌المللی در سال ۹۵ تسهیل شود، با توجه به شفاف شدن بازار ارز احتمال کاهش قیمت در برخی اقلام وارداتی و شکوفایی بخشی از تولید کشور که معطل مواد اولیه وارداتی هستند، بسیار محتمل است.

همه موارد عنوان شده در مجموع دلالت بر این دارد که سال ۹۵ به احتمال بسیار زیاد از حیث اقتصادی دارای فراز و نشیب زیادی باشد. البته امیدواریم در مجموع وزن اتفاقات مثبت بیش از غیر آن باشد که این موضوع می‌تواند نسیم تازه‌ای در هوای اقتصاد ایران را در پی داشته باشد. اما با توجه به اتفاقات محتمل در حوزه تغییر قیمت نفت و تصمیمات سیاست‌زده احتمالی که ذکر آن در سطور قبل آمد، احتمال دارد این نسیم تازه ـ پیش یا پس از خود ـ با ناپایداری‌های نامطلوب سیاست‌زده در هوای اقتصاد ایران مواجه شود بنابراین تاکید بر حفظ ثبات و حرکت آرام، مثبت و هوشمندانه در اقتصاد ایران بسیار راهبردی و ضروری است. تاکید بر پرهیز از تصمیمات شتابزده در اقتصاد و مشورت و همراهی گرفتن از توده جامعه و نخبگان خارج از دایره متصدیان دولتی بسیار مهم و راهبردی خواهد بود.

سال ۹۵ اولین سال برنامه ششم توسعه کشور خواهد بود. بنا بود برنامه ششم تا خرداد ماه سال ۹۴ به مجلس ابلاغ شود تا مجلس در ماه‌های تیر، مرداد و شهریور برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام دهد و دولت بتواند بودجه سال ۹۵ را براساس سیاست‌های کلی برنامه ششم تنظیم کند. اما به دلایل مختلف، تحویل برنامه ششم به مجلس تا استقرار مجلس جدید به تعویق افتاد.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت امروز

سرچشمه‌های چالش موشکی

■ مهدی محمدی ■

یکم- بالا گرفتن بحث‌ها درباره برنامه موشکی، از نظر من، فعلا یک «جریان اصلی» (Mainstream) در محیط سیاست‌گذاری راهبردی آمریکا درباره ایران نیست. اگر به دنبال موضوعاتی بگردیم که آمریکایی‌ها می‌خواهند آن را موضوع تعامل و اگر نشد فشار بیشتر علیه ایران قرار بدهند، مسائل منطقه‌ای - چنانکه خواهم گفت- در اولویت قرار دارد. در ایران نیز دولت در موقعیتی نیست که به برنامه موشکی به چشم یک «برگ مذاکراتی» نگاه کند، چرا که اولا مدیریت برنامه عملیاتی موشکی ایران در اختیار دولت نیست و همان‌طور که وزارت خزانه‌داری آمریکا در بیانیه اخیرش نوشته فرماندهی موشکی الغدیر با سلسله مراتب مشخص در نیروی هوافضای سپاه، آن را بر عهده دارد، ثانیا وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح به عنوان بخشی از دولت خود به طور وسیع درگیر توسعه فناوری و تولید موشک است و ثالثا مجوزهای بالادستی برای مذاکرات موشکی (شبیه چیزی که برای مذاکرات هسته‌ای وجود داشت) مطلقا صادر نشده است.

دوم- کشف منشأ راهبردی بگومگوهای اخیر درباره برنامه موشکی ایران بسیار مهم‌تر از خود این مجادلات است، چرا که همانطور که گفتم فعلا بعید است آمریکا بخواهد برنامه موشکی ایران را موضوع «برجام بعدی» قرار بدهد و آن را به اولویت نخست خود علیه ایران ارتقا بدهد. این امر چند دلیل مهم دارد:

۱- هیچ معاهده بین‌المللی یا مقررات الزام‌آور جهانی درباره برنامه موشکی وجود ندارد که بتوان ایران را به تخطی از آن متهم کرد.

۲- روسیه، چین و احتمالا برخی اعضای اروپایی شورای امنیت به دلایل سیاسی فراوان و از جمله به دلیل معادلات پیچیده حاکم بر روابط میان آنها و آمریکا، زیر بار هیچ اقدامی درون شورای امنیت علیه برنامه موشکی ایران نخواهند رفت. در واقع، به تعبیر دقیق‌تر، آمریکا قادر نیست اجماعی را که درون ۱+۵ درباره موضوع هسته‌ای ایجاد کرد، درباره مساله موشکی بازسازی کند. (این مساله مهمی است؛ اگر به یاد بیاوریم کسانی مانند «دنیس راس» و «مایکل سینک» از فردای نهایی شدن برجام عقیده داشتند مهم‌ترین سرمایه آمریکا در توافق هسته‌ای با ایران، اجماعی است که درون ۱+۵ ایجاد کرده و اولویت نخست آمریکا باید حفظ این اجماع در سایر موضوعات باشد).

۳- در صورت اقدام یکجانبه شدید و اعمال تحریم علیه ایران به بهانه برنامه موشکی، بدون تردید برجام در ایران به خطر خواهد افتاد. آمریکا می‌داند مرزهایی وجود دارد که اگر از آنها عبور کند حتی دولت در ایران نیز قادر به حفظ برجام نخواهد بود.

۴- مساله موشکی ایران یک تهدید فوری برای آمریکا یا یک اولویت سیاسی- راهبردی برای آن نیست و فعلا موضوعات منطقه‌ای و ایجاد و حفظ یک چارچوب ژئوپلیتیک جدید در خاورمیانه که ایران هم بخشی از آن باشد، موضوع بسیار مهم‌تری است.

۵- افکار عمومی ایران، دیدگاهی عموما مثبت به تقویت توان نظامی بویژه برنامه موشکی دارد. قرار داشتن در میانه منطقه‌ای فروپاشیده و در هم ریخته که هرروز از گوشه‌ای از آن تهدیدی جدید برمی‌خیزد، جامعه ایرانی را در همه لایه‌ها و طبقات آن متقاعد کرده است که سرمایه‌گذاری در حوزه دفاعی یک امر ضروری و غیرقابل چشم‌پوشی است. یکی از پیش‌نیازهای ضروری برجامیزه کردن هر موضوع امنیت ملی در ایران، تخریب ذهنیت جامعه نسبت به آن و قرار دادن آن در دوقطبی با اقتصاد و معیشت است. درست است که آمریکایی‌ها و برخی دوستان‌شان در داخل تلاش می‌کنند مسیری که درباره برنامه هسته‌ای در لایه‌هایی از افکار عمومی ایران طی شد درباره برنامه موشکی هم تکرار شود ولی هنوز فاصله‌ای بسیار و موانعی عبورناپذیر با «نقطه اقدام» دارند. سوالی که در اینجا باید به آن پاسخ داد، این است: اگر آنچه گفتیم لااقل تا حدودی توصیف‌کننده نگاه واقعی آمریکا به برنامه موشکی ایران باشد، پس منشأ مجادلات لفظی اخیر میان ایران و آمریکا درباره برنامه موشکی چیست و نتیجه احتمالی آن چه خواهد بود؟

ادامه در صفحه ۵